

در جستجوی ویژگی‌های خانه ایرانی* (بر مبنای بررسی شیوه زندگی در خانه‌های سنتی شیراز)

سیده مهسا عبدالله‌زاده^۱، محمود ارژمند^{۲*}

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان
^۲ عضو هیأت علمی دانشگاه هنر، تهران

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۸

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۴

چکیده

از گذشته‌های بسیار دور «خانه» برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه‌های معنوی در همه مراحل ساخت «خانه» تا استقرار در آن و استفاده از آن به طور کامل پیدا است. اما در عصر کنونی غفلت از نیازهای کیفی و روانی استفاده‌کنندگان و توجه اقتصادی به تنهایی و تأکید بر ویژگی‌های سرپناهی در امر خانه‌سازی، باعث کم‌رنگ شدن نقش خانه در هویت بخشی به انسان شده است، تا آن جاکه یکی از موضوع‌های بی‌اهمیت در بیشتر برنامه‌ها و طرح‌های مرتبط با مسکن، مباحث کیفی و بویژه تأثیر ارزش‌های فرهنگی در ساخت و بهره‌برداری از آن است که منجر به بی‌هویتی معماری می‌شود. برای چیره شدن بر این بی‌هویتی باید چاره‌ای اندیشید. از نظر نویسندگان این پژوهش بهره‌گیری از تجربه‌های ارزنده نیاکان در امر خانه‌سازی‌های با هویت - که امروز «خانه ایرانی» اش می‌خوانیم - می‌تواند در کاهش این ضایعه کمک کند. این تحقیق از گونه پژوهش موردی با شیوه تحقیق ترکیبی شامل روش‌های توصیفی، تحلیلی و در نهایت استدلال منطقی است. به این ترتیب، در این پژوهش با استفاده از مشاهده و برداشت میدانی، مطالعات کتابخانه‌ای و نیز جمع‌آوری اطلاعات از راه مصاحبه با تعدادی از ساکنان خانه‌های سنتی شیراز، به بررسی مفاهیم ارزشمند در خانه‌های سنتی ایران زمین، با تأکید بر شیوه زندگی در این خانه‌ها پرداخته می‌شود و در این مسیر، پس از مروری بر معانی خانه، کوشش می‌شود تا «خانه ایرانی» در تعامل با «زندگی ایرانی» تعریف گردد. بنابراین برای تعریف «زندگی» شاخص‌هایی مثل خانواده، آداب، و روش زندگی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و اطلاعاتی که در همین راستا از راه پرسشنامه‌ها به دست آمده، فهرست می‌شود. یافته‌های پژوهش، نشان از توجه معمار به حضور عواملی در خانه دارد که باعث غنا بخشیدن به «زندگی» جاری در فضاهای خانه و سرزندگی آن‌هاست. در حقیقت در خانه‌های گذشته، توجهی هم‌زمان و نسبتی صحیح میان شکل ساختمان و «شیوه زندگی» انسان برقرار بوده است. در این راستا، ارتباط «زندگی» با چند عنصر برجسته موجود در «خانه ایرانی»، مانند طبیعت، زندگی جمعی، انعطاف‌پذیری فضاها، همسایه، میهمان، زیبایی، احساس تعلق و... از تکتاتی است که در این زمینه مورد بحث قرار می‌گیرد و به این ترتیب منظری از خانه ایرانی به دست داده می‌شود.

واژگان کلیدی: خانه سنتی، خانه شیرازی، خانه ایرانی، فرهنگ ایرانی، شیوه زندگی ایرانی، زندگی ایرانی.

نظریات ساکنان خانه‌های گذشته این نظر را تقویت می‌کند که در خانه‌های گذشته، توجهی هم‌زمان و نسبتی صحیح میان شکل ساختمان و شیوه زندگی انسان برقرار بوده اما با گذشت زمان، آن نسبت و توجه رو به کم‌رنگی گذاشته و شاید همین بی‌توجهی نسبت به برقراری این ارتباط صحیح است که فضای خانه‌های مان را کم‌روح‌تر از خانه‌های گذشته کرده است.

از این رو، معرفت و شناخت زندگی واقعی می‌تواند ما را در دستیابی به حقیقت یاری رساند و از آن جایی که حقیقت زندگی در طول تاریخ و پیش از آن یک چیز بوده-همان طور که طبیعت انسان از روز ازل تا ابد یک چیز است- (ادبی، عظیم زاده، ۴۸۳۱: ۷۱۱-۸۱۱) بنابراین، معرفت به نوع و کیفیت زندگی، الگوی مناسبی برای شناخت مجدد همان کیفیت‌های والای زندگی است که ضرورت حیات نسل امروزی به حساب می‌آید و می‌تواند در دستیابی به خانه‌های مناسب امروزی یاری رسان باشد.

۱. روش تحقیق

اگر خانه‌های گذشته ایرانی را به واسطه برقراری نسبت میان شیوه برآمده از آن فرهنگ، که نشان از بینش و اندیشه ایرانی دارد، خانه ایرانی بنامیم، در این مقاله به دنبال یافتن پاسخ این پرسش هستیم که ویژگی‌های خانه ایرانی چیست؟

در این پژوهش از روش ترکیبی در نمونه موردی استفاده شده و روش‌های توصیفی، تحلیلی و سرانجام استدلال منطقی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق، تلفیق نتایج برگرفته از مطالعات اسنادی با نتایج مطالعات موردی و میدانی در خانه‌های قاچاری شیراز و نیز نتایج حاصل از مصاحبه با افراد ساکن در این خانه‌ها با روش کیفی؛ تنظیم، اجرا، استخراج و دسته بندی شده تا ضمن دریافت روش زندگی و نیز چگونگی نگرش آن‌ها به عناصر مختلف خانه و چگونگی ارتباط آن‌ها با مفهوم زندگی در این مکان‌ها (با تعمق در داستان زندگی افراد ساکن در آن‌ها و تطبیق آن با خانه‌های امروزی) پی‌ببرد. پس این مطالعه بیشتر، از نتایج داور و مقایسه و جمع بندی معمارانه اسناد و نتایج پژوهش‌ها و مطالعات میدانی با بیان تحلیلی و توصیفی بهره می‌جوید. در این مقاله ابتدا با بررسی مفهوم خانه و مسکن به بررسی برخی از دیدگاه‌های ارائه شده در این زمینه پرداخته شده و سپس به رابطه خانه ایرانی با فرهنگ، خانواده و روش زندگی در خانه‌های سنتی (در راستای آشنایی با ویژگی‌های خانه ایرانی و نیز مفاهیم نهفته در آن) اشاره می‌گردد.

۲. نگاهی به مفهوم خانه

در دیدگاه نوربرگ-شولتز: "سکونت، بیانگر برقراری پیوندی پر معنا بین انسان و محیطی مفروض است. این پیوند از تلاش برای هویت یافتن، یعنی به مسکن احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. به این ترتیب، انسان زمانی بر خود آگاه می‌شود که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود را در جهان تثبیت کرده باشد. گاستون باچلار نیز معتقد است: "آدمی پیش از افکنده شدن

خانه، مبدأ و مقصد زندگی روزمره انسان است. انسان‌ها برای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از انجام کار و کسب تجربه به خانه باز می‌گردند. خانه برای انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را مرکز دنیای فرد نامید (نوربرگ شولتز، ۱۸۳۱: ۵۴). بنابراین خانه باید بتواند در فضای درونی و جلوه بیرونی خود توقع "مرکز دنیای فردی بودن" را برآورده سازد. خانه برای انسان همواره معنا و تأثیری فراتر از سرپناه داشته و با خود بینش، فرهنگ و شیوه خاص نگاه او به زندگی را ساخته و به نمایش در آورده است. در یک نگاه کلی هر محیطی که به گونه‌ای با زندگی آدمی در ارتباط باشد، سازنده بخشی از زندگی او، نیازهای او و شیوه پاسخ‌گویی او به این نیازهاست. بنابراین فهم هر محیط انسانی، بدون شناخت بینش انسان‌های درون آن، به نظر امکان‌پذیر نمی‌آید و خانه بارزترین و آشناترین این محیط‌هاست. بنابراین هر خانه به‌طور معمول باید با زندگی ساکنان خود مناسبت و هماهنگی داشته و باید بر اساس شناخت ویژگی‌های فرهنگی کاربران باشد، تا بتواند به نیاز آنان پاسخ گوید. از این رو مردم و رفتارهای آنان بخشی از نظام محیط‌های مسکونی می‌باشند، به طوری که رفتار و محیط را نمی‌توان از یکدیگر جدا فرض نمود. رفتارهای انسانی همواره در بستر محیط شکل می‌گیرند و نمی‌توان بدون در نظر داشتن تأثیر محیط، شرایط رفتاری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (پوردی، ۱۹۳۱: ۸). اما امروزه به علت جبر زندگی و یا تک بعدی نگری و توجه به اقتصاد، بسیاری از ارزش‌های انسانی، اجتماعی، بومی و فرهنگی در ساخت خانه‌های معاصر نادیده گرفته می‌شوند. امروزه خانه آدمی در مجموعه مسکونی در پشت چند پنجره یک‌نواخت و هم شکل با دیگران قرار دارد که نه فقط برای میهمان، بلکه برای افراد خانواده نیز تشخیص آن از بیرون مشکل است.

هر چند که زندگی انسان و شیوه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای انسان همواره با هم مرتبط و بر یکدیگر تأثیر گذارند، اما شکی نیست که «شکل زندگی» در هر دوره زمانی، مناسب با شرایط آن دوره تغییر می‌کند. شکل زندگی در واقع صورتی است که تحت تأثیر خواست‌ها و نیازهای انسان و در شرایط اقلیمی، امکانات موجود، روابط اجتماعی و... قوام می‌گیرد. اما شیوه زندگی روش و منشی است که انسان‌ها بنا به دیدگاه‌ها، باورها، اندیشه یا به‌طور کلی فرهنگشان از خود بروز می‌دهند و از آن‌جا که بستگی کامل به نوع نگاه انسان به زندگی و اندیشه و بینش او دارد، می‌تواند در حوزه‌هایی امری پایدار تلقی شود. چرا که نوع نگاه و اندیشه، نمایانگر فرهنگ یک جامعه است و فرهنگ هر چند تأثیرپذیر از زمان بوده و با گذر از یک دوره تاریخی به دوره‌ای دیگر دگرگون نمی‌شود. بنابراین آنچه انتظار می‌رود که در خانه‌های برخاسته از یک فرهنگ، مشابه و پایدار باشد شیوه زندگی ساکنان آن‌هاست. یعنی نگاه تاریخی آن‌ها به زندگی، نگاهی که کالبد خانه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و هماهنگ با آن می‌سازد. اظهار

ایرانی است؛ همچون سازمان فضایی و ویژگی‌های آن (به اجمال) و سپس به ویژگی‌های کلی این خانه (در ارتباط با خانواده و روش زندگی به عنوان اساسی‌ترین عامل موثر بر ویژگی‌های خانه) اشاره می‌شود تا راهی به شناخت آن گشوده شود.



تصویر شماره ۱: خانه سعادت، حیاط و ایوان شمالی؛ ماخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۲: ایوان خانه فروغ الملک؛ ماخذ: نگارندگان

۳-۱. خانه سنتی در ایران

واژه خانه که امروز مصطلح است در گذشته به اتاق اطلاق می‌شده است، اتاق خصوصی را (وستاخ) یا گستاخ یا وثاق می‌نامیده‌اند، از واژه سرا به جای کلمه خانه در اصطلاح امروز آن، استفاده می‌شده است. از نظر پیرنیا، هنر و معماری ایران از دیرباز دارای چند اصل بوده که به خوبی در نمونه‌های این هنر نمایان شده است. خانه‌های سنتی نیز به عنوان بخش مهمی از معماری گذشته ما از این اصل‌ها بهره‌مند بودند. وی در ارزیابی درون‌گرایی خانه‌ها، نبودن باغ و سبزه را در بیرون خانه حجت می‌آورد و معتقد است: «یکی از دل‌بستگی‌های ایرانیان در ساخت خانه‌ها ایجاد ارتباط دیداری بین اتاق و فضای بیرون آن است. گشادگی، فراخی و دید آزاد داشتن، جزو طبیعت ایرانی است، حتی در حال حاضر نیز همین طور است» (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۲۶ و ۱۶۲). «خانه ایرانی، جلوه مستقیم ارزش‌های معنوی و فرهنگی و شیوه زندگی بود. خانه مکان مقدسی بود که ارزش‌های کیهانی، جهت مقدس و ارزش‌های فراتر از طبیعت را

به جهان، در گهواره خانه نهاده شده است.» (شولتز، ۱۳۸۱: ۴۵ و ۵۶). نگاه جوامع و فرهنگ‌های مختلف به مسکن متفاوت است؛ در دوره‌های مسکن به عنوان «ماشین زندگی» (لوکوربوزیه) یا زدودن پوشش‌ها (میس ون درروهه) و ... مطرح می‌شد. در نگاهی دیگر مسکن به عنوان مکانی برای سکنا گزیدن و سکونت همراه با تفکر مطرح می‌گردد. (مسائلی، ۱۳۸۸: ۲۹) در دیدگاهی دیگر، شولتز معتقد است: «درخانه، آشنایی با جهان بی واسطه صورت می‌گیرد؛ آن‌جا نیازی به گزینش مسیر و جست و جوی هدف نیست؛ جهان در خانه و پیرامون آن به سادگی ارزانی گردیده است. می‌توان گفت، خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته» او همچنین می‌نویسد: «خانه تنها به پدیدآوری کیفیت‌های جوی محیط بسنده نکرده و می‌باید خلق و خوی آن فعالیت‌هایی که در درونش جریان می‌یابد را نیز آشکار سازد.» (شولتز، ۱۳۸۱: ۵۷) از این رو مسکن تنها یک ساختار نیست، بلکه یک «نهاد» است. راپاپورت^۱، به خانه به عنوان نهادی با عملکرد چند بعدی نگر بسته و می‌گوید: «خانه بیش از آن که ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکرد چند بعدی. از آن‌جا که ساخت خانه خود امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز طبیعی است متأثر از فرهنگی باشد که خانه محصول آن است. از گذشته‌های بسیار دور، خانه برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه‌های معنوی و مذهبی در همه مراحل ساخت خانه تا استقرار در آن و استفاده از آن به طور کامل مشهود است» (براتی، ۱۳۸۲: ۲۵). به اعتقاد او، عامل فرهنگ در درک انسان‌ها از جهان و حیات که شامل اعتقادات مذهبی، ساختار اجتماعی قبیله و خانواده، روش زندگی و همچنین شیوه ارتباطات اجتماعی افراد است، نقش موثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است (Rapoport, 1969: 47) از این رو واحد مسکونی یک پدیده پیچیده است که هیچ تعریف واحدی برای توصیف آن کفایت نمی‌کند، اما تمام تعریف‌ها در یک موضوع واحد، اتفاق نظر دارند که انسان‌ها با دیدگاه‌ها و ایده‌آل‌های متفاوت به محیط‌های فیزیکی مختلف پاسخ می‌گویند. پاسخ‌ها به‌طور معمول، در مکان‌های مختلف با یکدیگر متفاوتند، زیرا زیر تأثیر عوامل مختلفی مانند زمینه‌های محیطی، جهان بینی افراد، شرایط اقتصادی و فرهنگ اجتماعی پدید می‌آیند.

۳. خانه ایرانی

معماری ایرانی همیشه آینه انسان ایرانی و آرزوهایش بوده است که در شکل‌گیری آن بدون شک ارزش‌هایی فنا ناپذیر و جاویدان حضور دارند. فصل مشترک آن، موجودیت انسان در زمین و جهان بینی خاص اوست. استخراج مفاهیم و ویژگی‌های معماری ایرانی بدون عمیق شدن در مسائل اجتماعی، فرهنگی، دینی و ادبی ناممکن است. از این رو بی شک تاملی در مسکن ایرانی و پیداکردن ویژگی‌های مسکن گذشته، می‌تواند ما را به شناخت آن‌ها نزدیک کند. آنچه در ادامه می‌آید ابتدا اشاره‌ای به ویژگی‌های کالبدی خانه

شامل می‌شد. اما امروزه اغتشاش در ارزش‌های سنتی به احداث خانه‌هایی بیگانه با فرهنگ و گذشته منجر شده است. «نادر اردلان به نقل از حائری، ۱۳۸۸: ۵۷» به طور کلی درون‌گرایی، مرکزیت، انعکاس، شفافیت و تداوم، هندسه و تناسب‌ها، تعادل موزون و توازن محسوس ارتباط با طبیعت از اصلی‌ترین ویژگی‌های معماری ایرانی است که آن‌ها را در خانه‌های سنتی نیز می‌توان دید (دیبا، ۱۳۷۸: ۹۷-۹۸). در ارتباط با ویژگی‌های سازمان فضایی خانه‌های سنتی نیز به مواردی چون حضور هم‌زمان سه گونه فضای باز، بسته و پوشیده در خانه، وجود نسبت‌های مشخص در هر بنا برای فضاها، وجود طیف متنوع فضا از قلمرو کامل خصوصی تا عمومی در خانه، انعطاف‌پذیری فضا در مقابل پویایی شیوه زندگی، نبودن غلبه اشیا بر سازمان فضایی خانه و ارتباط با آب و گیاه اشاره شده است (حائری، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۲).

۲-۳. خانه و فرهنگ ایرانی

فرهنگ، دربردارنده ویژگی‌هایی برای بسیاری از موضوع‌ها نظیر تفکر، انسان، جهان بینی، دیدگاه، رفتار و چگونگی انجام آن است. در تعریف‌های فراوانی که از فرهنگ شده به سه مورد اصلی توجه گردیده که هدف اصلی در استفاده از فرهنگ را مشخص می‌نمایند و آن‌ها روش زندگی، جنبه‌های ذهنی انسان و عادت‌ها و هم‌سازی با محیط‌های مختلف هستند. (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۵). بنابراین هر فعالیتی که توسط انسان صورت می‌گیرد، در اساس متکی به فرهنگ است و فرهنگ نتیجه نامدون (عرف)، عادت، آداب و رسوم، سنت‌ها، سبک‌ها و شیوه‌های متداول زندگی است.

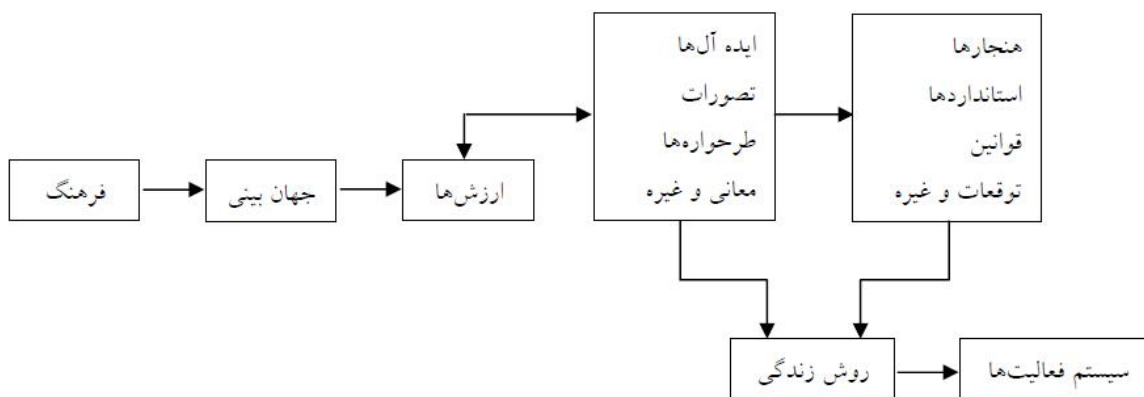
معماری و شهرسازی با فضاهایی سر و کار دارند که انواع فعالیت‌های انسانی در آن اتفاق می‌افتد و در حقیقت این فعالیت‌ها به این فضاها معنی و مفهوم می‌دهد. از سوی دیگر، این فعالیت‌ها تابع ویژگی‌های فرهنگی جامعه‌ای است که صاحبان این فعالیت‌ها به آن تعلق دارند. به عبارتی فرهنگ، الگوهای رفتاری را به وجود می‌آورد و سپس الگوهای رفتاری، تعریف کننده و بیان کننده چگونگی استفاده مردم از فضاها می‌شوند. (فاتحی پیکانی، ۱۳۸۹: ۱۸) راپاپورت ۱ در دهه ۱۹۷۰ با هدف آگاهی از ساختار کلی

فرهنگ و عوامل تأثیر گذار آن بر محیط‌های ساخته شده، آن را به اجزایی تقسیم می‌کند و اظهار می‌دارد که این روش به هر حال درک عمومی از ماهیت کل نگر فرهنگ و اجزای کلی تشکیل دهنده آن را تا اندازه‌ای ارتقا می‌بخشد.

در فرهنگ ایرانی، «خانه»، محلی برای تجلی بخشیدن به ارزش‌های سنتی و حفظ خانواده است. از این رو مفاهیم «خانه» و «خانواده» معانی نزدیک به هم دارند؛ برای نمونه، در فرهنگ سنتی ایران، خانه باید حریم اندرونی و بیرونی داشته باشد تا بیگانه چشمش به ناموس خانه نیفتد. یا این که افراد خانواده، اتاق مخصوص ندارند ابر خلاف وضعیت امروز خانه‌ها که این حریم‌ها بیشتر اوقات، لحاظ نمی‌شود یا فرزندان و والدین اتاق مخصوص دارند، که متأثر از تحولات دنیای جدید است و ریشه سنتی ندارد. وجه بارز دیگر خانه ایرانی، جنبه‌های زیبایی شناسانه آن است. هر خانه ایرانی موزه‌ای از نمادها و نشانه‌های فرهنگی و تاریخی است که نه فقط میراث خاندان مشخص، بلکه میراث قوم و ملت این سرزمین است. از این رو خانه‌ها، حافظه فرهنگی ماست که خاطراتمان در آن شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد. اشیای درون خانه از فرش‌ها، ظرف‌ها، گچ‌بری‌ها، درها، پنجره‌ها و شکل‌های هندسی درون خانه، همگی هستی ما را حمل می‌کنند و به وجود و هویت ما عینیت می‌بخشند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۷) بنابراین به تعبیری، عاملی که سرانجام شکل فضا و چگونگی ترکیب‌ها را در محیط‌های مسکونی به وجود می‌آورد "روایای انسان‌ها از زندگی آرمانی" آنان است. پس می‌توان جنبه فرهنگ اجتماعی را که شامل عقاید مذهبی، ساختار خانوادگی، سازمان اجتماعی، روش گذران زندگی، روابط اجتماعی بین افراد و خویشاوندان است، عامل اصلی، و بقیه جنبه‌ها را عوامل دست دوم در نظر گرفت.

۲-۳-۱- خانه و خانواده ایرانی

از مهم‌ترین مفاهیم شکل دهنده به خانه، مفهوم «خانواده» است. "در ایران نهاد خانواده، یک نهاد بسیار قدرتمند است که از دیگر نهادهای اجتماعی، قوی تر و پایدارتر است. اما این نهاد نیز دچار تغییر و تحول شده است. یعنی وقتی صحبت از خانواده می‌شود، تعریف کالبدی خانواده‌ای که در ۲۰۰ سال پیش بود،



۴. زمینه پژوهش

۴-۱. خانه‌های سنتی شیراز

در این پژوهش به بررسی ویژگی‌های خانه‌های سنتی (قاجاری) شیراز پرداخته شده است. برای این منظور ۱۵ نمونه از این خانه‌ها انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. در روند بررسی و شناخت خانه‌های سنتی شیراز، با تأسّف در اثر تخریب‌های گسترده انجام شده در دهه‌های اخیر در بافت تاریخی شهر و حتی در کالبد تعدادی از خانه‌ها، بر هم خوردن بافت اجتماعی-فرهنگی، متروک و مخروبه شدن خانه‌ها و نیز ساخت و سازهای ناسازگار در بافت تاریخی، بیشتر خانه‌های سنتی به جا مانده، متعلق به افراد طبقه متوسط و یا مرفه جامعه است و این مسأله به همراه نبودن امکان دسترسی و مشاهده نزدیک تعدادی از این خانه‌ها از محدودیت‌ها و مشکلات این پژوهش بود. اما از آنجایی که در گذشته، تفاوت خانه‌های سنتی متعلق به اقلّار مختلف، بیشتر مربوط به ابعاد، اندازه و تعداد و جزئیات (تزئینات و...) فضاها بوده و الگوی سازمان دهی فضایی در خانه‌ها عمومیت داشته است، به گونه‌ای که "تمامی خانه‌های ساخته شده تا سال ۱۳۰۰، چه کوچک و چه بزرگ، حیاط یا حیاط مرکزی دارند و چیدمان فضاها پیرامون حیاطها از نظام فضایی مشخص پیروی می‌کنند" (حائری، ۱۳۸۸: ۱۱)، از این رو به نظر نگارندگان بررسی خانه‌های به جا مانده می‌تواند نمونه‌های مناسبی به منظور دریافتن ویژگی‌های خانه‌های ایرانی باشد.

۴-۲. بررسی آداب زندگی در خانه‌های سنتی شیراز

در راستای آشنایی و ریشه یابی سرچشمه‌های معماری خانه‌های امروزی این مرز و بوم و با توجه به این که حقیقت زندگی در طول تاریخ و پیش از آن یک چیز بوده، معرفت به نوع و کیفیت زندگی از طریق خاطرات و چگونگی زندگی ساکنان خانه‌های قدیمی، الگوی مناسبی برای شناخت دوباره همان کیفیت‌های والای زندگی است که ضرورت حیات نسل امروزی به حساب می‌آید. در پی این باور، نگارندگان این پژوهش علاوه بر بررسی ۱۵ مورد از خانه‌های قاجاری شیراز با استفاده از روش کیفی به مصاحبه با عده‌ای از اهالی این شهر که تجربه زیستن در خانه‌های سنتی را داشته‌اند، پرداخته‌اند. شاید بتوان با آشنایی با شیوه زندگی و آداب و رسوم نهفته در این زندگی که برخی هنوز در زندگی امروز هم جریان دارند، بتوان در مسیر دستیابی به راهکارهای بهتر طراحی خانه‌های امروزی گام برداشت. آنگاه، برخی از الگوهای رفتاری زندگی روزمره در خانه‌های سنتی شیراز معرفی می‌گردد. در این بررسی، ابتدا روش زندگی در خانه‌های سنتی را در مواردی چون (آداب خوردن، خوابیدن، دور هم جمع شدن، غذا پختن و ظرف شستن، پذیرایی از میهمان، مشارکت با همسایگان، برگزاری جشن و مراسم بزرگ، چگونگی ارتباط با طبیعت، آداب نیایش و...) دسته بندی و سپس در هنگام تحلیل و جمع‌بندی، آن‌ها را در ۵ دسته کلی قرار دادیم. با توجه به جدول شماره ۱، می‌توان گفت خانه‌های سنتی شیراز تأمین کننده چهار نوع رابطه برای انسان بودند؛ یعنی رابطه با خود، با دیگران، با طبیعت و با خدا.

دیگر وجود ندارد، بلکه کیفیتی دیگر از خانواده تحقق پیدا کرده است. اما در عین حال فصل‌های مشترکی هم با یکدیگر دارند. به عنوان مثال، خانه‌های گذشته ما، خانه‌های صاحب اندرونی و بیرونی هستند و فضای معماری هم به طور کامل تابع همین تلقی است. اما در خانه‌های امروزی (یعنی از زمانی که معماری جدید مطرح می‌شود و در واقع الگوی جدیدی از ساختمان و خانه را پدید می‌آورد) کمتر اندرونی و بیرونی می‌بینیم و کمتر می‌توانیم در آن‌ها، این دو را از هم جدا کنیم. این در حالی است که ما هم‌چنان در خانه‌های امروزی نیز به صورت اندرونی و بیرونی زندگی می‌کنیم! پس هنوز در بحث خانواده، تداوم را می‌بینیم؛ یعنی آن فرهنگ از گذشته تاکنون تداوم داشته، هرچند که شکل آن در دوره‌های مختلف تغییر کرده است. پس در عین حال که یک جنبه از مفهوم خانواده، دچار دگرگونی و تحول می‌شود، جنبه‌های هم وجود دارد که تداوم داشته است. بنابراین مهم‌ترین نهاد اجتماعی در کشور ما هنوز هم نهاد خانواده است. هم‌چنان که خانواده دچار تغییر و تحول شده است اما آن جوهره فرهنگی دچار دگرگونی نمی‌شود" (محمد بهشتی به نقل از فاتحی پیکانی، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۶).

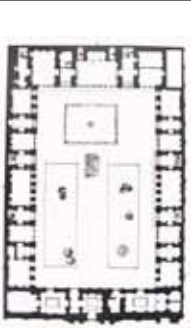
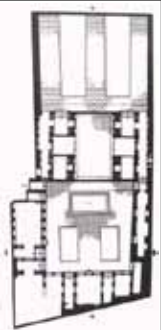

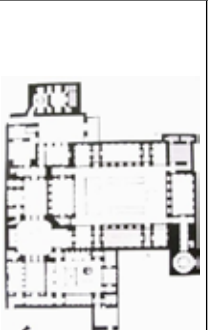
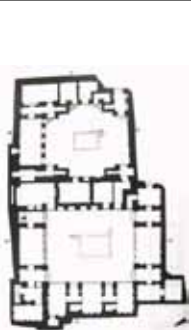

بنابراین روح خانه را باید در خانواده‌ها جست و جو کرد. چون خانواده‌ها دارای ویژگی‌هایی هستند، در خانه نیز باید این ویژگی‌ها در روابط متبلور شوند. در واقع همین ویژگی‌ها هستند که «سرپناه» را به «خانه» تبدیل می‌نماید. برای مثال، چون در خانواده ایرانی در روابط خانوادگی «حرمت» جای ویژه‌ای دارد، در خانه ایرانی «حریم‌ها» معنا پیدا می‌کنند. زیرا روابط در خانواده، دارای نظم و اندازه خاصی است، در خانه «هندسه» معنا دارد. (هاشمی آذروند، ۱۳۸۹: ۶۲) تداوم و سلسله مراتب در خانواده، ساختار خانواده، حریم در خانواده، اهمیت میهمان، چگونگی زندگی جمعی، درون‌گرایی و خانه‌های درون‌گرا از دیگر مواردی است که در شکل‌گیری فضاهای خانه ایرانی اهمیت داشته‌اند.

۳-۲-۲- روش زندگی و خانه ایرانی

در جامعه شناسی "روش زندگی"^۲ به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک دیده شده و زندگی روزمره و رفتارها در زمینه اجتماعی خاصی معنی دار هستند. فعالیت‌هایی همانند نوع و میزان ارتباط‌های اجتماعی افراد، نوع استفاده از فضا، زمان، نوع روابط خویشاوندی و خانوادگی و از آن قبیل در زمینه‌های مختلف اجتماعی فرهنگی متفاوت‌اند. «روش زندگی»، نوع فعالیت‌هایی که صورت می‌گیرند، دلیل انجام آن‌ها و اینکه فعالیت‌ها برای آن‌ها چه معنی دارند، را تشریح می‌کند. (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۶) به عبارتی، روش زندگی، چگونگی استفاده از فضاها در زندگی روزمره را تعیین می‌نماید و توجه به این موضوع که انسان‌ها چگونه از فضاهای زندگی در رسوم روزمره استفاده می‌کنند، نکته‌ای است که می‌تواند معنی‌های نهفته در محیط‌های زندگی آن‌ها را روشن نماید. در ادامه و در راستای آشنایی با ویژگی‌های خانه ایرانی به بررسی آداب زندگی در خانه‌های تاریخی شیراز پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۱: بررسی آداب زندگی در خانه‌های سنتی شیراز

آداب زندگی	رفتارها	نحوه بروز رفتارها در کالبد خانه‌های سنتی	ویژگی‌های خانه سنتی شیراز
آداب خانوادگی	خوردن	دور هم جمع شدن اعضای خانه به دور سفره در فضاهای مختلف ایوان (فضای سرپوشیده)، حیاط، روی تخت، روی حوض (فضای باز)، اتاق (فضای بسته)	امکان ایجاد تنوع عملکردی در یک اتاق بسیار زیاد بوده و تفکیک فضای خواب از فضای غذا وجود نداشت.
	خوابیدن	خوابیدن همه افرادی روی زمین در کنار هم در یک فضا در فضاهای مختلف: ایوان (فضای سرپوشیده)، حیاط، روی تخت (فضای باز)/ حضور آسمان، تجربه دید ستاره‌ها، بام، اتاق (فضای بسته)	تنوع فضایی
	نشستن/ دور هم جمع شدن	نشستن بر روی زمین در فضاهای مختلف و در حین انجام کارهای مختلف (سر سفره نشستن...) و در ساعات مختلف روز: ایوان (فضای سرپوشیده)/ حیاط، روی تخت (فضای باز)/ تالار، اتاق، حوضخانه، زیرزمین (فضای بسته)	تنوع مکان‌ها و فضاها برای انجام فعالیت‌های روزمره به تنوع بخشیدن عملکردهای روزمره و دائمی کمک می‌کرد.
	غذا پختن	آشپزخانه در خانه سنتی جایی بوده که زن خانه می‌توانسته به راحتی در آن کار کند و کسی او را نبیند. آشپزخانه مشکلاتی از قبیل ۱- کم نوری ۲- دود ۳- کمی تهویه داشته.	ساکنان از حیاط به عنوان فضای سرباز و امن برای انجام کلیه فعالیت‌های زندگی یاد کرده‌اند. سکونت در فضای متمایز نشده
آداب ارتباط با دیگران (معاشرت با دیگران از تعداد محدود تا برگزاری جشن و مراسم بزرگ)	مذاکره، دید و بازدید سریع و غیر رسمی، مبادله کردن وسایل مورد نیاز	فضای ورودی خانه، و هشتی	سازمان فضایی خانه سنتی، واردشدگان را بر حسب رابطه آن‌ها با خانواده به فضاهای مختلف هدایت می‌کرد.
	پذیرایی از مهمان مرد	در خانه‌های یک حیاط شیراز، اتاق مهمان به طور معمول در نزدیکی راهرو ورودی جای می‌گرفت.	آمیخته نشدن حریم‌ها (توجه به حریم‌های خصوصی و عمومی) امکان دستیابی به خلوت تا معاشرت با دیگران از تعداد محدود افراد تا برگزاری جشن و مراسم بزرگ در خانه‌های تاریخی امکان پذیر است.
	مهمانی خانوادگی (عید نوروز، شب یلدا...)	پذیرایی از مهمان‌ها در فضاهای مختلف (تالار، اتاق، حیاط) برای مهمانان در کنار شاه نشین و اتاق‌های گوشوار، جا تدارک دیده می‌شد بر حسب تعداد و دوری و نزدیکی مهمان‌ها، اتاق‌های مناسب وجود داشت	
	مشارکت با همسایگان	در فضایی همچون دربند نیز ملاقات با همسایگان صورت می‌گرفت. کمک در برگزاری مراسم مختلف (عزا، عروسی...) پختن و به اشتراک خوردن و حتی همکاری در شستن رخت‌های یکدیگر	
ارتباط با خود	برگزاری جشن و مراسم بزرگ عروسی روضه خوانی عزا	امکان برگزاری جشن و مراسم بزرگ به وسیله امکان ترکیب انواع فضاها و بسط آن‌ها به یکدیگر، ترکیب فضای اتاق‌ها، استفاده از حیاط (حیاط‌ها در ترکیب با فضاهای سرپوشیده و اتاق‌ها می‌توانستند به یک مجموعه فضایی واحد تبدیل شوند و پذیرایی تعداد زیادی مهمان باشند.	آمیخته نشدن حریم‌ها
	ارتباط با خود	با خویش خلوت کند و به مراقبه و محاسبه بپردازد، در خویش تأمل بکند، مطالعه، تفکر	فضاهای خلوت در این خانه‌ها فراوان بود و هر کسی بر حسب سن و سال و عادت گوشه‌ای را برای خود در نظر می‌گرفت. صندوق خانه‌ها، پستوخانه‌ها، زاویه‌ها، کنج‌ها و....
ارتباط با طبیعت	تماس مستقیم (حضور در حیاط) حضور عناصر طبیعت: آب (آب جاری، در فضای داخل)، گیاه (درختان سرو، نارنج، گل‌ها)، پرندگان، آسمان، نور، و انعکاس آن در آب چشم انداز مناسب در اتاق‌ها (فضای بسته) تلطیف هوا احساس چهار فصل	فضای بسته: ارتباط با طبیعت از طریق چشم انداز تدابیری چون کاربرد فضاهای باز و نیمه باز همچون ایوان، تالار، تخت‌گاه و ... در خانه جهت ایجاد ارتباط بیشتر با طبیعت و بهره‌گیری از آب و هوای معتدل و فرح بخش شیراز در بیشتر فصل‌ها. استفاده از پنجره و در-پنجره‌ها، ارسی‌های رو به حیاط در جهت قوی‌تر کردن این ارتباط و ایجاد دید و منظر به طبیعت. در این خانه‌ها فعالیت‌هایی مانند: صرف غذا، خواب در فضای باز، نشستن بر روی زمین یا حتی حوض توسط تخت‌های چوبی، خوابیدن روی زمین، بازی بچه‌ها، پذیرایی از مهمانان انجام مراسم (عروسی، روضه ...) در حیاط صورت می‌گرفته است قالی‌ها، گلیم‌ها، گچ‌بری، آینه کاری و نقاشی‌ها ادامه ارتباط با طبیعت در فضای بسته هستند	چشم انداز به طبیعت حیاط مشارکت در تلطیف هوا شاهد تغییر فصل‌ها سازمان فضایی خانه برای برقراری ارتباط بین ساکنان و طبیعت از یک طرف، ساکنان و جامعه از طرف دیگر، مشارکت فضایی داشتن. در گذشته بسیاری از فعالیت‌های خانه در فضای باز و نیمه باز انجام می‌شده حیاط باعث ایجاد حس مکان و حس تعلق در خانه‌های سنتی
ارتباط با خدا	نیایش و عبادت	نیایش در فضای باز (حیاط)، در فضای بسته، در فضای پوشیده (ایوان)، کنج‌ها و زاویه‌ها بهره‌گیری از مواهب طبیعی و ارتباط با عناصر طبیعت در این خانه‌ها این امکان را ایجاد می‌کند تا با احساس نزدیکی به حق که بیشتر در تماس با مجاورت با طبیعت تقویت می‌شود، به او توجه داشته باشیم.	بلند مرتبه بودن بعضی فضاها، حس روحانی حضور آب، آسمان، گیاه و نور از مهم‌ترین عناصر تجلی طبیعت در حیاط سکوت و تاریک و روشنی، مکانی برای ایجاد حس روحانی در خانه‌ها

					
تصویر شماره ۹: خانه مهیا	تصویر شماره ۸: خانه نصیر	تصویر شماره ۷: خانه بصیری	تصویر شماره ۶: خانه فروغ الملک	تصویر شماره ۵: خانه صالحی	تصویر شماره ۴: خانه افشاریان

نقشه‌های برخی از خانه‌های سنتی شیراز (دارای تعداد حیاط‌های مختلف)
در کلیه خانه‌ها ارتباط با طبیعت (حیاط همیشه سبز مملو از نارنج و گل‌های شب بو و محمدی، ایوان، تالار، حوض خانه و چشم انداز مناسب از اتاق‌ها و...)، ارتباط با دیگران (بیرونی، اتاق مهمان، پنج دری، هشتی، حیاط و...) و ارتباط با خود (صندوق خانه، زاویه، کنج و...) در شکل‌گیری فضاها نقش بسزایی داشته است.

۵. ویژگی‌های خانه ایرانی

در راستای بررسی و مطالعه خانه‌های سنتی شیراز و استخراج ویژگی‌های آن با وجود تنوع، می‌توان به ویژگی‌های مشترکی که در تمامی این خانه‌ها مشاهده گردیده اشاره کرد. این ویژگی‌ها و مفاهیم نهفته در خانه سنتی با عوامل فیزیکی معماری و مقیاس‌های کمی قابل مقایسه نیستند و اساس آن در فلسفه وجودی این سرزمین و متأثر از مسائل اجتماعی، فرهنگی و دینی بوده است. از این رو با توجه به بررسی‌های انجام شده، در ارتباط با شیوه زندگی در خانه‌های سنتی در ادامه به معرفی ویژگی‌های خانه ایرانی که از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری فضاهای آن هستند، اشاره می‌شود.

۵-۱. خانه ایرانی و طبیعت

خانه‌های شیراز، امکان ارتباط با طبیعت را برای انسان به خوبی فراهم می‌کرده است. طبیعتی که شامل آسمان، آب، پرندگان (گنجشک‌ها، کلاغ‌ها، سارها) و گیاهان (نارنجستان، گل‌ها، درخت هفت صنوبر و...) است. حیاط به عنوان عنصر اصلی سازمان دهی در خانه‌های شیراز، فضای اصلی و مهم گردشگری خانه بوده که در سازماندهی فضاهای گوناگون در فصل‌های مختلف و نیز به عنوان فضایی سبز و نشاط آور در گردش هوا نقش بسزایی داشته است. حوض و باغچه از بخش‌های اصلی حیاط بوده و به طور معمول، محور طولی این دو بر هم عمود است. طرز قرار گیری حوض و باغچه‌های عمود بر آن و موازی محور طولی خانه را می‌توان یکی از ویژگی‌های خانه‌های شیراز دانست.

باغچه‌های خانه با گیاهان همیشه سبز چون نارنج، پرتقال، نارنگی مزین شده و انواع گل‌های زیبا را در کنار آن می‌کاشتند. این نحوه تزئین و آرایش حیاط خانه‌ها، ارتباط مستقیم با روح علاقه به سرسبزی و خرم دوستی ساکنان آن و به طور کلی اهالی شیراز داشته است. تعداد حیاط‌ها از یک تا سه حیاط (خانه فروغ الملک) بوده و به صورت‌های مختلف با هم ارتباط داشتند. (تصویر شماره ۵)

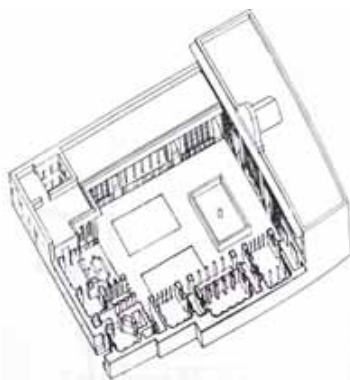
از دیگر ویژگی‌های حیاط خانه‌های شیراز ایجاد یک نوع بیرون

زندگی کوچک در آن است. این فضای کوچک که از سه طرف بسته و از یک طرف با حیاط بزرگ در ارتباط است در واقع نقش یک حیاط کوچک را دارد. در خانه زینت الملک، یک حوض زیبا ساخته شده و دو اتاق سه دری و یک تالار دور آن قرار گرفته است. (تصویر شماره ۱۰) در خانه بصیری و افشاریان، همین ترکیب زیبا به کار گرفته شده است. (تصاویر شماره ۳ و ۶) مهم ترین ویژگی فضایی خانه‌های شیرازی ارتباط دیداری و حسی فضای اتاق اصلی خانه با حیاط همیشه سبز است. در این خانه‌ها در فضای بسته، ارتباط با طبیعت و داشتن چشم انداز مناسب با استفاده از ارسی‌ها میسر بوده که با بالا کشیدن درک‌ها اتاق به شکل یک ایوانی که رو به سوی حیاط دارد در می‌آمده است. همچنین تدابیری چون کاربرد فضای نیمه باز (ایوان) در خانه جهت ایجاد ارتباط بیشتر با طبیعت و بهره‌گیری از آب و هوای معتدل و فرح بخش شیراز در بیشتر فصل‌ها در بسیاری از خانه‌ها به کار گرفته می‌شده است. در حقیقت حیاط خانه‌های شیراز محل انجام فعالیت‌های گوناگونی مانند صرف غذا، خوابیدن، دور هم جمع شدن، بازی بچه‌ها، پذیرایی از میهمانان و انجام مراسمی (عروسی، روضه، و...) بوده است. حوضخانه نیز در بعضی از این خانه‌ها از جمله فضاهایی بوده که ارتباط با عناصر طبیعت را در فضای بسته به گونه‌ای متفاوت تأمین می‌کرده است. در خانه فروغ الملک و بصیری دو نمونه زیبایی آن دیده می‌شود (تصاویر ۵- ۱۱ - ۲۲)

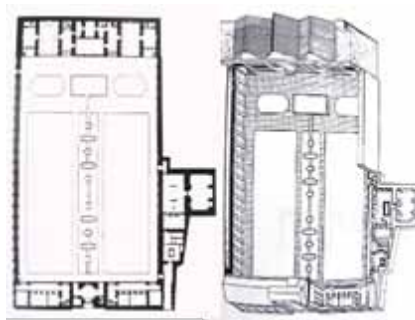
همچنین مصالح خانه‌ها به گونه‌ای است که یاد آور محیط اطراف بوده و غریبه نیست. در جای جای خانه، طبیعت را می‌توان جستجو کرد. حتی به طور اختصار باغ را می‌توان در گل‌ها و نقش و نگار قالی و در رنگ سبز و قرمز شمعدانی‌های کنار حوض یافت. نقش‌های قالی و کاشی و مشبک‌های رنگی پنجره‌ها را نیز می‌توان استعاره‌های طبیعت در خانه‌های شیراز بر شمرد. در حقیقت خانه‌های شیرازی با حیاط همیشه سبز و با باری درختان نارنج و گل‌های محمدی و یاس و شب بو، به هدف خود یعنی سرای همیشه سبز و ارائه تصویری بهشت گونه دست یافته‌اند.



تصویر شماره ۱۱: خانه بصیری، دارای سه حیاط (ماخذ: معماریان، ۱۳۸۷)



تصویر شماره ۱۰: خانه زینت الملک (اندورنی)، شیراز، بیرون زدگی کوچک در حیاط
ماخذ: معماریان، ۱۳۸۷



تصویر شماره ۹: نارنجستان قوام (بیرونی)،
ماخذ: معماریان، ۱۳۸۷

<p>تصویر شماره ۱۵: حیاط و حوض آب خانه فروغ الملک</p>	<p>تصویر شماره ۱۴: حیاط خانه زینت الملک</p>	<p>تصویر شماره ۱۳: حیاط همیشه سبز با درختان نارنج خانه ضیائیان</p>	<p>تصویر شماره ۱۲: حیاط همیشه سبز و آب نما، نارنجستان قوام</p>
<p>حیاط همیشه سبز (درختان نارنج و گل‌های فراوان) از عوامل ایجاد کننده حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی شیراز خانه‌های شیرازی با حیاط همیشه سبز و با یاری درختان نارنج و گل‌های محمدی و یاس و شب بو، به هدف خود یعنی سرای همیشه سبز و ارائه تصویری بهشت گونه دست یافته اند.</p>			

۲-۵. خانه ایرانی و خلوت

خلوت به معنای تنهایی گزیدن، تنها نشستن، تنهایی و انزوا و خلوت خانه، جای آسایش، اتاق خصوصی، شبستان، مقام کمال که اتحاد حب و محبوب، عاشق و معشوق در آن صورت می‌گیرد، به کار می‌رود. در عرفان اسلامی به خلوت و خلسه برای رسیدن به حقیقت بی انتها و رسیدن به آرامش ابدی تأکید شده است. فضاهای شکل گرفته در معماری خانه‌های شیراز نیز در جهت پاسخ‌گویی به این نیاز بوده و هر کس بر اساس سن و سال و عادت خود، گوشه‌ای را برای خلوت و تنهایی خود در خانه داشته است. چنان که خاطرات ساکنان این خانه‌ها بازگویی وجود فضاهایی (کنج‌ها، گوشه‌ها، پستوها...) است که به آن دل بستگی خاصی دارند. حیاط خانه‌های شیراز نمونه دیگری از این فضاهاست؛ جایی که فضاها در اطراف آن شکل گرفته و وجود حوض آب و گیاهان سر سبز آن با ایجاد فضایی آرام و بهشت گونه جایی بوده که فرد را به اندیشه و ژرف اندیشی و می‌داشته است (تصاویر شماره ۱۲-۱۵). همچنین در این زمینه شاید وجود فضاهایی چون زیرزمین در خانه را نباید تنها به لحاظ اقلیمی تلقی کرد، آن‌جا همچنین مکانی بوده است برای آرامش یافتن وجود انسان. در حقیقت خانه ایرانی است برای از خود تهی شدن و به بالا صعود کردن. در اینجا همه چیز گویای آرامش است و انسان را به ژرف‌نگری و می‌دارد. فکر کردن به خود و دیگری و شاید گامی بالاتر.

۳-۵. خانه ایرانی و فضاهای متنوع و انعطاف پذیر

سازمان فضایی خانه‌های شیراز، تنوع فضایی گسترده‌ای را برای ساکنانش عرضه می‌کند و مشوق تجربه‌ها و فعالیت‌های متنوع است و ابعاد هر فعالیت به ظاهر ساده را با این ارائه تنوع فضایی افزایش می‌دهد. تجربه غذا خوردن در این خانه‌ها در ایوان‌ها، در حیاط و بر روی تخت و حوض و در اتاق بسته اتفاق می‌افتاد. در ایوان، تجربه غذا خوردن همراه می‌شود با نظاره طبیعت از دور، هوای تازه و حضور نسیم و غذا خوردن در حیاط، تجربه حضور در یک باغ را تداعی می‌کند. خوابیدن در هر سه گونه فضاهای باز، بسته و سرپوشیده رخ می‌دهد و تجربه دیدار آسمان، بخشی از تجربه شبانه ساکنان است. این تنوع فضایی که از راه تنوع در میزان محصور بودن فضاها (بسته، باز، پوشیده)، کیفیت نور و حضور جریان هوا، تنوع کف‌ها و ارتفاع سقف‌ها ایجاد می‌شود، ساکنان خانه‌ها را نسبت به کیفیت‌های فضایی حساس کرده است. چنانکه ادراک آنان از فضای خانه تمامی این تنوع‌ها را شامل می‌شده و می‌توانند آن را بیان و به توصیف در آورند (تصاویر شماره ۱۶ - ۲۰).

سازمان فضایی خانه‌های شیراز در برابر نیازمندی‌ها و دگرگونی‌های شیوه زندگی بسیار انعطاف پذیر است. هیچ فضایی در این خانه‌ها در خود تمام شده و مسدود نیست و هر فضایی در عین استقلال، امکان ترکیب با پیرامون خود را دارد. چند فضای مستقل مانند دودری‌ها،

سنتی، بین دو و یا سه نسل متوالی از یک خانواده در جریان بوده است. همچنین رابطه با همسایگان و سایر افراد محله نیز در زندگی افراد جا داشته است. بر همین اساس، روابط و بده بستان‌های بین افراد پر رنگ است. برای نمونه، تعامل اعضای خانواده با دیگر افراد محل، گاه در ورودی و حیاط خانه‌ها نیز انجام می‌شود. این ویژگی، لزوم وجود چنین فضاهایی در داخل و خارج خانه را نشان می‌دهد.

در خانه‌های شیراز، حریم اندرونی و بیرونی وجود داشت تا بیگانه چشمش به ناموس خانه نیفتد. اما در این فرهنگ، مرزی ملموس میان ساکنان خانه وجود ندارد و بسیاری از فعالیت‌ها و رفتارهایی که در خانه انجام می‌شده به صورت جمعی و در فضاهای مشترک بوده است. (سرسفره نشستن، خوابیدن در پشت بام، و گذراندن اوقات فراغت در حیاط هنگام عصر، شب نشینی روی تخت حوض، نذری پختن، روضه امام حسین، احیای شب‌های قدر...) از این رو در این خانه‌ها برخلاف خانه‌های امروز، هر فضا دارای کارکردهای متنوع و فضایی چند منظوره بوده که این امر امکان تحقق فعالیت‌های متنوع و زندگی جمعی را به خوبی میسر می‌کرده است (تصاویر شماره ۲۱-۲۴)

به علاوه، گسترش دامنه این ارتباط‌های جمعی با همسایگان و سایر افراد محل منجر به شکل‌گیری فضاهایی همچون هشتی، بیرونی و... در این خانه‌ها گردیده که امکان برقراری تعامل اجتماعی را بدون داشتن هیچ گونه مزاحمتی برای سایر افراد خانواده میسر کرده است. در جدول ۳ تعیین قلمرو خصوصی و عمومی چندین خانه آورده شده است.

شاه نشین و گوشوارها می‌توانند یک فضای خیلی بزرگ را شکل دهند و یا ترکیب فضاهای حوضخانه، اتاق‌ها و حیاط و شاه نشین می‌توانند بیشترین گنجایش فضایی خانه را به نمایش در آورند که این امر در موقع برگزاری مراسم و مهمانی‌های بزرگ (روضه خوانی، عروسی و...) در خانه‌ها رخ می‌دهد (جدول شماره ۲). به عنوان مثال حوضخانه در بعضی از خانه‌ها نقش مهمی در ایجاد پیوند بین فضاهای مختلف داشته است. چنانچه در خانه فروغ الملک، حوضخانه آن بخش‌های اندرونی و بیرونی و حوضخانه خانه بصیری چند حیاط آن را به نحوی زیبا به هم پیوند داده است. (تصاویر شماره ۵-۱۱-۲۲) به این ترتیب در خانه‌های شیراز، فضاهای وابسته به قلمرو خصوصی می‌توانند با قلمرو عمومی ترکیب شوند. از راه وجود درگاه‌های میانی تعبیه شده بین این فضاها و حریم‌های عبوری یا آویزان کردن پرده‌های سراسری و با گشودن ارسی‌ها و در-پنجره‌ها، فضای مستقل خصوصی با فضاهای عمومی ترکیب می‌شوند.

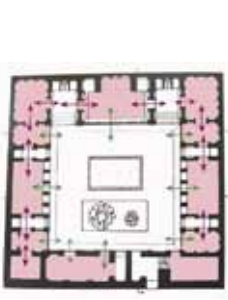
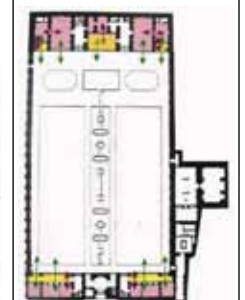
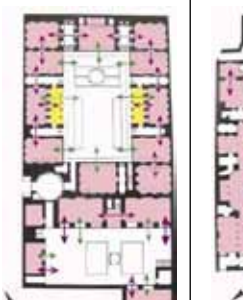


به نظر می‌رسد تنوع و انعطاف‌پذیری در کالبد خانه‌ها به خوبی پاسخ‌گوی نیازهای رفتاری و آداب خانوادگی ساکنان بوده و خانه را به بستر مناسب «زندگی» ای که مملو از رویدادهای متنوع و ضروری یک زندگی طبیعی (سالم و سلامت) و ملازم با فطرت انسانی است، تبدیل کرده است.

۵-۴. خانه ایرانی و زندگی جمعی

در گذشته، بیشتر خانواده‌های ایرانی دارای ساختار گسترده بوده اند، در این نوع خانواده، زندگی جمعی خاصی بر مبنای سلسله مراتب

				
تصویر شماره ۲۰: تالار نارنجستان قوام	تصویر شماره ۱۹: اتاق پنج دری (فضای نشیمن)، خانه زارع	تصویر شماره ۱۸: ایوان و حیاط با درختان نارنج، خانه عطروش	تصویر شماره ۱۷: اتاق سه دری نارنجستان قوام	تصویر شماره ۱۶: زیرزمین خانه سعادت (فضایی مناسب برای بعداز ظهرهای تابستان)

حیاط همیشه سبز (درختان نارنج و گل‌های فراوان) از عوامل ایجادکننده حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی شیراز خانه‌های شیرازی با حیاط همیشه سبز و با یاری درختان نارنج و گل‌های محمدی و یاس و شب بو، به هدف خود یعنی سرای همیشه سبز و ارائه تصویری بهشت گونه دست یافته اند.

جدول شماره ۲. انعطاف‌پذیری (بسط فضایی، بسط چشم اندازی) بسط فضایی بسط چشم اندازی فضای پوشیده (ایوان / تالار)				
				
خانه کارونیان	خانه قوام	خانه منصور	خانه فروغ الملک	خانه افشاریان

سازمان فضایی خانه‌های شیراز در برابر نیازمندی‌ها و دگرگونی‌های شیوه زندگی بسیار انعطاف‌پذیر است. هیچ فضایی در این خانه‌ها در خود تمام شده و مسدود نیست و هر فضایی در عین استقلال، امکان ترکیب با پیرامون خود را دارد

۴-۵-۱. خانه ایرانی و مهمان نوازی (ارتباط با دیگران)

از نمودهای دیگر زندگی جمعی در خانه‌های سنتی، وجود فضاهای ویژه مهمان است. مهمان نوازی از ویژگی‌های بارز خانواده شیرازی است. از این رو بهترین فضای خانه، که بیشتر دارای تزئینات خاصی نیز هست، به پذیرایی مهمان اختصاص داده می‌شده است. وجود فضاهایی همچون بیرونی، اتاق مهمان و ... دلیلی بر اهمیت این امر است. در خانه‌های یک حیاط شیراز، اتاق مهمان به طور معمول، در نزدیکی راهروی ورودی جای می‌گیرد و مهمان بدون وارد شدن به حریم خصوصی خانه در جای خود استقرار می‌یابد. توجه به حریم‌ها و نیز اهمیت مهمان چنان بوده که در بعضی خانه‌های شیراز، یک حیاط با فضاهای خاص خود به نام «بیرونی» برای مهمانان طراحی شده است. خانه قوام، بصیری، نصیرالملک، صالحی، فروغ الملک و ... دارای دو یا چند حیاطاند که اندرونی و بیرونی آن‌ها جدا شده است. (تصاویر ۳-۸) اندرون و بیرون خانه قوام، به طور کامل از هم جدا هستند. نارنجستان قوام، خانه مستخدم‌ها، حمام و مکتب‌خانه، بخش بار عام خانه قوام بوده و خانه زینت الملک اندرون مجموعه است. این دو بخش به وسیله یک راهروی زیرزمینی به هم متصل می‌شوند و از بین این دو فضا کوچه‌ای گذر می‌کند (تصاویر ۹ و ۱۰).

۵-۵. خانه ایرانی و ارتباط با ساکنان خانه

«زندگی ایرانی» کلیتی در هم پیچیده از نیازهای نخستین؛ نیازهای غریزی (خواب، خوراک) و نیازهای بعدی (دست یابی به فضیلت‌ها، علم، احسان، عدالت و عاطفه) است (ادیب زاده، عظیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۶) و نقش اساسی در پاسخ‌گویی به این نیازها به عهده «خانه‌های ایرانی» بوده است، به گونه‌ای که فضاهای کالبدی خانه برای این راه و رسم زندگی در سن‌ها و جنسیت‌های گوناگون خانواده در زمان‌های مختلف سال برنامه‌هایی را فراهم می‌کرده است. فراوانی خاطرات در زمینه کیفیت رویدادها در راه و رسم زندگی پیشین چنان است که نه تنها به هر دو نوع این نیازها پاسخ داده می‌شد، بلکه این راه و رسم زندگی، تبدیل به الگوهای رفتاری شده است. بررسی سازمان فضایی خانه‌های شیراز در ارتباط با شیوه زندگی که در آن‌ها جریان داشته، آشکار می‌کند که معماری آن‌ها پاسخ‌گوی طیف گسترده و متنوعی از ابعاد و پویایی شیوه زندگی در خانه بوده و این امر بیانگر اشرف فرهنگ معماری و معمار ایرانی بر تنوع زندگی، تا حد کوچک‌ترین رفتارها و نیازها بوده

است. به این معنا که سازمان فضایی خانه در کل و در هر جزء فضای خانواده و روابط اعضای خانواده با یکدیگر، رابطه خانواده با خویشاوندان، دوستان و همسایگان را مورد نظر قرار داده است.

۵-۶. خانه ایرانی و زیبایی

از دیگر مسائل نهفته در خانه ایرانی، جستجو و ستایش جمال و زیبایی است که به طور فطری در وجود انسان نهفته است. خانه‌های سنتی که بر اساس زندگی انسان مسلمان طراحی و ساخته شده، فقط زیبایی ظاهری ندارد، بلکه جمال و زیبایی، بخشی ذات آن به شمار می‌آید. زیبایی در این خانه‌ها برگرفته از عوامل گوناگونی است که یکی از آن‌ها هندسه و تناسب و دیگری نور و رنگ است.

۵-۶-۱. هندسه و تناسب

در تمام مراحل ساخت یک خانه سنتی، رابطه و همیاری تنگاتنگ هندسه و «پیمون»^۳ و بهره‌گیری از تناسب‌های خاص نقش اساسی داشته است. این تناسب‌ها در نماها نیز رعایت شده و تکرار آهنگ‌های خاص در نما را به ارمغان آورده است. رعایت اندازه‌ها و تناسب‌ها موجب گردیده که معماری از کیفیتی بالا برخوردار شده و از حد معیار قابل قبول نزول نکند (طاهباز، ۱۳۸۸: ۲۷۰). به تعبیری در معماری ایرانی این زیبایی از توازن و تعادل اعضای متناسب بنا و به کارگرفتن تزیین‌هایی که از تن بنا مایه می‌گیرد، ناشی می‌گردد. در حقیقت می‌توان گفت که از طریق هندسه است که ذهنیت به عینیت و معنویت به مادیت می‌رسد. در خانه‌های شیراز معمار، علاوه بر این که بهشت و زیبایی بهشت را وارد اندرون و قلب خانه می‌سازد، بر روی دیوار و پنجره‌های این بهشت، روزه‌هایی ایجاد می‌کند که به مثابه تابلویی می‌شود که بیننده حق انتخاب تصویر را دارد. ساکنان خانه با انتخاب نوع درخت و محل کاشت آن و ارتباط با باغچه و حوض، زیبایی را با سلیقه و روحیه خود وارد اندرون می‌کنند. این بهشت زمینی نشانی از بهشت آسمانی دارد. در تمام مراحل تکوین یک خانه سنتی، رابطه و همیاری هندسه و پیمون (تناسب و ابعاد) نقش اساسی دارد. بهره‌گیری از هندسه و تناسب‌ها در همه اجزای خانه‌ها؛ ابعاد فضاها (اتاق) به عنوان مثال اتاق ارسسی، در انواع دو، سه، پنج و هفت درکی نقش ویژه‌ای در خانه‌های شیراز دارد (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۶۲)، راهرو، (شاه نشین...)، نماها، اجزای خانه (در، پنجره...)، تزیینات (کاشی کاری‌ها، شیشه‌های رنگی و ...) موجب شده که در مجموع فضای این خانه‌ها، دلنشین و زیبا و متناسب با فعالیت‌ها و نیازهای جسمی و روحی ساکنان آن باشد. (تصاویر ۲۵-۲۷)



تصویر شماره ۲۴: حیاط و خانه زینت الملک، (فضای جمعی)



تصویر شماره ۲۳: اتاق پنج دری (فضای جمعی)، خانه سعادت



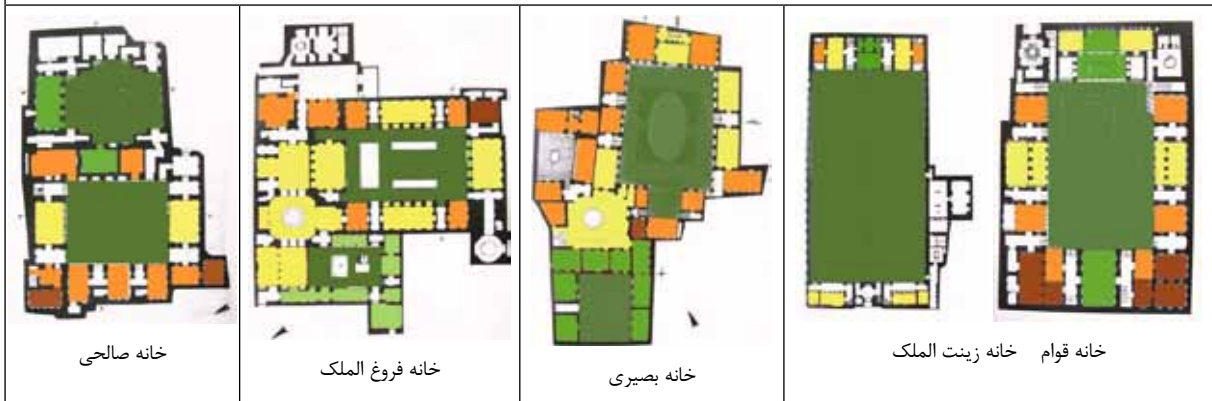
تصویر شماره ۲۲: حوضخانه، خانه فروغ الملک (فضای جمعی)



تصویر شماره ۲۱: ایوان خانه سعادت (فضای جمعی)

جدول شماره ۳: قلمرو خصوصی و عمومی (سلسله مراتب و رعایت حریم)

فضای عمومی ■ عمومی - خصوصی ■ خصوصی ■ کاملاً خصوصی ■



در خانه‌های سنتی شیراز عناصر و فضاهای بینابین، عامل پیوستگی عناصر مختلف خانه و همچنین پیوند آن به مقیاس محله‌ای و سرانجام به کل شهر بوده است. این عناصر عبارتند از: سردر ورودی، هشتی، دالان، حیاط، ایوان و راهرو. اصلی‌ترین وظیفه عناصر بینابین در یک خانه رعایت سلسله مراتب محرم بودن در سیر حرکت از ورودی تا اندورنی منزل بوده است.

هندسه و تناسب در خانه‌های سنتی شیراز



تصویر شماره ۲۷: پلان خانه سعادت (دانشنامه ایران‌شهر)

تصویر شماره ۲۶: برش - نما خانه کاررونیان (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۸۲)

تصویر شماره ۲۵: هندسه و تناسب در فضا و اجزای خانه زینت الملک (معماریان، ۱۳۸۷: ۲۱۶)

تناسب داشتن با عملکرد درون و تناسب با سایر اجزا ساختمان از ویژگی‌های فضاهای خانه سنتی شیراز هندسه با استفاده از پیمون در خانه‌های سنتی، نیازهای کالبدی و فیزیکی، معنوی و روحی-روانی و عامل تعیین و کنترل ابعاد و اندازه‌ها بوده است.

۵-۶-۲. نور و رنگ

هم آغوشی نور و رنگ در خانه‌های ایرانی و از جمله خانه‌های شیراز باعث کمال بخشی فضای دربرگیرنده آن می‌گردد. تزئین نماها و سطح‌های خانه‌ها که با بهره‌گیری از رنگ‌های مختلف با استفاده از کاشی کاری‌های رنگارنگ، شیشه‌های رنگی در، پنجره‌ها و ارسی‌ها، استفاده از نقش‌های برجسته و مشبک در آرایه‌های بنا، آیینه کاری‌های داخل اتاق‌ها و سقف‌های چوبی و نقاشی شده برای بهره‌گیری از نور، موجب ایجاد فضاهایی مناسب جهت ایجاد آرامش و تامین نیازهای روحی و روانی ساکنان خود گردیده‌اند (تصاویر ۲۹-۳۳). از این رو بهره‌گیری از هندسه و تناسب‌ها، نور و رنگ علاوه بر تامین فضاهای مناسب برای آداب و نیازهای رفتاری ساکنان، موجب شده که ویژگی‌های کیفی فضا (سکوت و تاریک و روشنی و بلندی و رفعت ...)، در ایجاد حس دل‌بستگی و روح مکان در خانه‌ها و تامین نیازهای ساکنان در زمینه ارتباط با دیگران (به عنوان مثال شیشه‌های رنگی ارسی مانعی برای دیده شدن داخل اتاق و...) با خود و با خدا نقش مؤثری پیدا کند.

۵-۷. خانه ایرانی و حس دل‌بستگی

حس دل‌بستگی شاید قوی‌ترین حس باشد که بتواند فضایی را از سر پناهی به تنهایی، به مسکنی دل‌نشین، احساسی که به انسان آرامش می‌دهد، تبدیل کند. خانه‌های شیراز کالبد فضاهای را چنان شکل داده که محتوای لازم و در شأن هر فضایی را دارا باشند. با توجه به مطالب مطرح شده، می‌توان داشتن چشم‌انداز مناسب به فضای سبز، حضور عناصر طبیعت (درختان همیشه سبز نارنج، گل‌ها، آب و پرندگان) در خانه و ارتباط با آن از راه‌های مختلف (حیاط، حوضخانه، ایوان، ارسی و در-پنجره)، وجود فضاهای متناسب و به اندازه، فضاهای متنوع (ایوان، حیاط، اتاق‌های متفاوت، زیرزمین، تالار، ...) در خانه را باعث غنابخشیدن به زندگی جاری در فضاهای خانه و حیات بخشی و سرزندگی این فضاها دانست. عواملی که در نهایت باعث ایجاد حس دل‌بستگی به فضاهای زندگی و خاطر انگیزی فضاها برای ساکنان خانه بوده است.



تصویر شماره ۳۰: تزئینات خانه کازرونیان



تصویر شماره ۳۱: تزئینات نما، خانه فروغ الملک



تصویر شماره ۳۲: تزئینات خانه ضیائیپان



تصویر ۲۸: تزئینات سقف ایوان شمالی، نارنجستان قوام



تصویر شماره ۲۹: ارسی‌ها و شیشه‌های رنگی اتاق پنج دری، خانه فروغ الملک

نتیجه گیری

داشتن فضاهای متناسب با آداب زندگی اجتماعی و جمعی، تأمین خلوت برای ساکنان و ... را برشمرد. در حقیقت خانه‌های ایرانی در گذشته، نمونه‌ای از معماری‌ای است که انسان‌های سرزمینی با فرهنگ ویژه ساخته‌اند تا در آن زندگی کنند؛ چنین خانه‌هایی لاجرم کالبدی می‌شوند برای استقرار و آرامش روح انسان آن سرزمین در مرتبه‌های فردی و جمعی؛ که به طور طبیعی، به همین لحاظ اثری دوسویه دارد، یعنی این ویژگی انسانی بر «صورت» این معماری نیز تأثیر گذار می‌شود. از این رو آشنایی با جوهره «زندگی ایرانی» و بهره‌گیری از آن می‌تواند ما را در دستیابی به شناخت معماری خانه‌هایی موفق و متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم‌مان یاری رساند. همان چیزی که «معماری ایرانی» اش می‌نامیم.

جدول زیر نکات فوق‌الذکر را به طور خلاصه نشان می‌دهد:

آنچه از این پژوهش با بررسی و دقت در نمونه‌هایی از مصادیق خانه‌های تاریخی شیراز به دست آمد، نشان از توجه معمار به حضور عواملی در خانه دارد که باعث غنا بخشیدن به «زندگی» جاری در فضاهای خانه و سرزندگی آن‌هاست. در حقیقت در خانه‌های گذشته، توجهی همزمان و نسبتی صحیح میان شکل ساختمان و «شیوه زندگی» انسان برقرار بوده است اما با گذشت زمان، آن نسبت و توجه رو به کم‌رنگی گذاشته و شاید همین غفلت و بی‌توجهی نسبت به برقراری این ارتباط صحیح است که فضای خانه‌هایمان را کم‌روح‌تر از خانه‌های گذشته کرده است. از جمله ویژگی‌هایی که در شکل‌گیری این خانه‌های دل‌نشین موثر بوده می‌توان به ارتباط با طبیعت و بهره‌گیری از عناصر آن در فضاهای خانه، متناسب بودن ساختار فضایی خانه‌های سنتی با «شیوه زندگی ایرانی» در گذشته، وجود فضاهای متنوع و انعطاف پذیر، توجه به جنبه‌های زیبایی و جمال در کل و اجزای خانه،

ویژگی‌های مهم خانه ایرانی	برخی از ویژگی‌های زندگی ایرانی تأثیرگذار در شکل‌گیری خانه‌های ایرانی
<p>طبیعت در خانه ایرانی با انسان و خانه عجین شده و تنها به درخت و فضای سبز خلاصه نمی‌شود.</p> <p>خانه به مثابه بهشت</p>	<p>ارتباط با طبیعت</p>
	<p>حیاط فضای اصلی و مهم گردشی خانه.</p> <p>حیاط در سازمان‌دهی فضاهای گوناگون در فصول مختلف حیاط به عنوان فضایی سبز و نشاط آور در گردش هوا حیاط وحدت دهنده و ارتباط دهنده فضاهای مختلف خانه.</p> <p>حیاط تعیین‌کننده حریم‌ها و محدوده مورد تملک حیاط نمایانگر گذشت زمان و تغییر فصول در خانه اهمیت حیاط در شکل‌گیری فضاهای خانه ارتباط دیداری و حسی فضای اتاق اصلی خانه با حیاط همیشه سبز</p> <p>حوضخانه، فضایی برای ارتباط با طبیعت در فصول گرم قالی، گلیم‌ها، تزئینات، استعاره‌ای از طبیعت در فضای داخلی حیاط دربرگیرنده تمام زندگی جاری در خانه</p>

برخی از ویژگی‌های زندگی ایرانی
تأثیرگذار در شکل‌گیری خانه‌های ایرانی

ویژگی‌های مهم خانه ایرانی

<p>توجه به مسائل وجودی انسان (رشد انسان (رسیدن به کمال)، شادمانی روحی، آرامش، گرایش به زیبایی و ...)</p>	<p>پاسخ‌گویی خانه به نیازهای نخستین و دست دوم ساکنان وجود فضاهایی با کیفیت متنوع (فضای باز، بسته، پوشیده) (نور و تاریکی در فضاها با کیفیت‌های متنوع، تفاوت بین درون و بیرون) (تابستان نشین، زمستان نشین، پنج دری...)</p> <p>انعطاف پذیری فضاها</p>	<p>«زندگی» ای که مملو از رویدادهای متنوع و ضروری یک زندگی طبیعی (سالم و سلامت) و از این رو همراه با فطرت (طبیعت) انسانی است.</p>
<p>خانه خلوت‌گاه و معبد ساکنانش خانه ایرانی دارای پیوند ناگسستنی با باورها</p>	<p>رعایت حریم و سلسله مراتب در فضاهای خانه (انواع فضاهای عمومی و خصوصی) سکوت و آرامش در فضاهای مختلف (حیاط، زیرزمین، کنج‌ها، گوشه‌ها و خلوت خانه...) شاخص بودن جایگاه بعضی فعالیت‌ها در خانه (نیایش، اعتبار مکان بر اساس باورها)</p>	<p>اهمیت تامین خلوت و فضای خصوصی در خانه</p>
<p>معماری خانه به گونه ای بوده که انسان را به ساحتهای مختلف می‌برد.</p>	<p>خانه کالبدی است برای ساخت و پرورش روح انسان خانه پاسخگو به نیازهای نخستین و بعدی همه ساکنان متناسب بودن شیوه زندگی با سازمان دهی فضاهای خانه</p>	<p>تعامل بین خانه و خانواده (ظرف و مطروف)</p>
<p>خانه محل استقرار ساکنان، محل مراجعه به خویشتن و محل یافتن ارزش‌های ساکنان توجه به مسائل وجودی انسان (رشد، حرکت به سوی کمال، خیر و فضیلت، تنوع و ...)</p>	<p>اهمیت به زیبایی فضاها (کیفیت فضاها) بلندی و رفعت بعضی فضاها، حس روحانی سکوت و تاریک و روشنی فضاها، ظرفیتی برای تحقق رفتارهایی بر اساس آموزه‌های روحانی شدن خلوت و آرامش تزیینات (بهره‌گیری از هندسه و تناسب، نور و رنگ و...) بوی خاص خانه (فضاهای مختلف...)</p>	<p>معرفت ساکنان به نوع و کیفیت زندگی در خانه</p>
<p>خانه پاسخ‌گوی ابعاد اجتماعی وجود انسان</p>	<p>فضاهای چند منظوره در خانه انعطاف پذیری فضاها محدود نکردن فضا به یک فعالیت خاص یکپارچگی بین خانه و اسباب خانه</p>	<p>همنشینی افراد با یکدیگر (اهمیت زندگی جمعی) لذت جمع شدن به دور هم در خانه و زندگی بر پایه محبت</p>
<p>خانه، بخش زیادی از نیازهای هویتی و فردی و اجتماعی ساکنانش را پاسخ می‌داد</p>	<p>وجود فضاهایی مانند هشتی و جلوخان خانه برای بازدید سریع اختصاص فضاهایی مانند اتاق مهمان، «بیرونی» برای مهمانان وجود فضاهای عمومی در خانه (حیاط و...)</p>	<p>اهمیت مهمان</p>
<p>خانه هماهنگ با ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی</p>	<p>پاسخ‌گویی به حرکت‌ها و کوچ‌های زندگی ایرانی یکپارچگی بین خانه و اسباب خانه آسایش اقلیمی در فضاهای متنوع</p>	<p>تحرك در خانه ایرانی در رفتارها و جابه جاشدن‌ها در کالبد واقعی [أوفق دادن خود با شرایط و نه بالعکس]</p>
<p>خانه جلوه ای از فرهنگ ایرانی</p>	<p>نداشتن جلوه بیرونی در خانه (و عدم تأکید به تمایزهای غیر انسانی در جامعه) وجود فضاهای جمعی در خانه</p>	<p>اهمیت بیشتر اجتماع در برابر فرد (هویت جمعی در مقابل هویت فردی)</p>

پی‌نوشت‌ها

1. Rapoport

2. Life style

۳. پیمون: استاد پرنیا در کتاب معماری اسلامی ایران پیمون را این‌گونه شرح داده است: "در معماری ایران از پیمون (که همان مدول در معماری باختر زمین است) بهره می‌گرفته‌اند. پیمون اندازه‌های خرد و یکسانی بوده است که باید در هر جا در خورنمایی که به آن بود گنجانده شود. پیروی از پیمون هر گونه نگرانی معمار را درباره نازیبایی یا نالاستواری ساختمان از بین می‌برده است؛ چنانچه یک گلکار نه چندان چیره دست در روستایی دور افتاده می‌توانسته با به کار بردن آن، پوشش گنبدی را به همان گونه انجام دهد که معمار کار آزموده و استاد پایتخت (پرنیا، ۱۳۸۴: ۳۱۷) بنابراین معیار و ابزار اندازه‌گیری کلیه عناصر معماری بر اساس پیمون و آن نیز بر اساس عرض در شناخته شده و به دو نوع اصلی زیر بوده است:

پیمون کوچک به طول چهارده گره و معادل ۹۳ سانتی متر

پیمون بزرگ به طول هجده گره و معادل ۱۲۰ سانتی متر

وسایله اندازه‌گیری ابعاد نیز گز بوده است. گز معادل ۱۰،۶۶۶ متر است که به ۱۶ گره تقسیم می‌شود هر گره معادل ۶/۶۶ سانتی متر است.

فهرست منابع و مراجع

۱. اردشیری، مهیار و غلامحسین معماریان (۱۳۹۰)، **هویت شهری شیراز**، انتشارات نوید شیراز.
۲. ادیب زاده، بهمن و فاطمه عظیمی (۱۳۸۸)، «یک روز خوش در خانه باستانی»، **نشریه صفا**، شماره ۴۴، ص ۱۲۷-۱۱۶.
۳. براتی، ناصر (۱۳۸۲)، «بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی»، **مجله خیال**، شماره ۸، ص ۲۵-۳۶.
۴. پرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶)، **آشنایی با معماری ایران**، انتشارات سروش دانش، تهران.
۵. پرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶)، **سبک شناسی معماری ایرانی**، انتشارات سروش دانش، تهران.
۶. پوردیپیمی، شهرام (۱۳۹۰)، «فرهنگ و مسکن»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۳۴، ص ۳-۱۸.
۷. حائری، محمدرضا (۱۳۸۸)، **خانه، فرهنگ، طبیعت**، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۸. حجت، مهدی (۱۳۸۷)، **مجموعه گفتارهایی درباره خانه**، فرهنگسرای نقش جهان، تهران.
۹. دیبا، داراب (۱۳۷۸)، «الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران»، **نشریه معماری و فرهنگ**، شماره ۱، ص ۹۷-۱۱۱.
۱۰. طاهباز، منصوره (۱۳۸۵)، «عوامل تفاوت بنیادی معماری ایرانی با معماری معاصر»، **سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران**، کرمان، ص ۲۶۰-۲۸۸.
۱۱. فاتحی پیکانی، پیمان (۱۳۸۹)، **بازگشت به خانه دزفولی**، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.
۱۲. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، «مدرنیت و مسکن (رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۱، ص ۲۵-۶۳.
۱۳. غضبانپور، جاسم (۱۳۷۵)، **خانه ایرانی**، ترجمه میتو علیان، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
۱۴. نوربرگ-شولتز، کریستیان (۱۳۸۱)، **مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی**، ترجمه محمود امیریاراحمدی، انتشارات آگاه، تهران.
۱۵. مسائلی، صدیقه (۱۳۸۸)، «نقشه پنهان به مثابه دست آورد باورهای

دینی»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۳۷، ص ۲۷-۳۸.

۱۶. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷)، **معماری ایرانی**، انتشارات سروش دانش، تهران.

۱۷. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷)، **آشنایی با معماری مسکونی**

ایرانی، گونه شناسی درون گرا، انتشارات سروش دانش، تهران.

۱۸. هاشمی آذروند، فرید (۱۳۸۹)، **در جست و جوی الگوی خانه**

ایرانی (نمونه موردی تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری،

دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.

19. Rapoport, Amos (1969), **House Form and Culture**, Prentice-Hall.

20. Rapoport, Amos (2005), **Culture Architecture and design**, Locke science publishing company, Inc, Chicago, USA.